



سال دهم / پاییز ۱۴۰۰

## کرونا و افزایش درگیری و تعارض در خانواده؟!

• یونس اکبری<sup>۱</sup>

• علی حاتمی<sup>۲</sup>

DOR: 20.1001.1.38552322.1400.10.40.8.1

چکیده

بر اساس گزارش‌ها و آمارهای منتشر شده تعارض بین زوجین در دوران قرنطینه کرونا افزایش یافته است. در این مطالعه در راستای تبیین تعارض بین زوجین در دوران کرونا، بر اساس نظام ارزشی سنتی و تجددگرایانه ابتدا چهار دسته‌بندی ارائه شده و سپس نحوه تعامل زوجین در هر یک از این دسته‌بندی‌ها و امکان بروز تعارض بر مبنای همسویی یا تعارض ارزشها تبیین شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روند حاضر نتیجه تغییرات ارزشی و نگرشی در جامعه ایرانی طی دهه‌های گذشته است. از زوایه دید رویکرد ارزشها در جامعه‌شناسی دو منظر برای تبیین بروز درگیری و تعارض بین زوجین وجود که یکی بر تضاد ارزشهای زن و مرد تاکید دارد و دیگری بر سرعت بالای تغییرات هنجاری که امکان جایگزین هنجار مناسب را در جامعه میسر نمی‌سازد. به نظر می‌رسد رویکرد سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد و آن توافق ارزشی است که مشابهت ارزشی زن و مرد باعث بروز تعارض بین آنها در نهاد خانواده می‌شود. این مشابهت در ارزشها به داشتن ارزشهای مدرنیته در ذهن زن و مرد بر میگردد. درست است که در اینجا زن و مرد دارای ارزشی مشابه هستند ولی ارزش برآمده از مدرنیته بر آزادی خواهی، خودمحوری، حق طلبی و برابری خواهی و انفراد و تک‌روی و استقلال تاکید دارد که با ارزشهای نهاد خانواده که نهادی جمعی است که بر تکلیف محوری و تقسیم نقش جنسیتی و مسئولیت پذیری جمعی و جمعگرایی تاکید دارد، در تعارض است. در این وضعیت زوجین بامشابهت ارزشی توان تحمل ارزشهای نهاد خانواده که نهادی جمعگرا و سنتی است را ندارند و در نتیجه زوجین با یکدیگر دچار تعارض می‌شوند. بر این اساس بخش بزرگی از روند رو به رشد درگیریهای و تعارضهای خانوادگی و طلاق چه در دوران قبل از کرونا و چه در دوران قرنطینه کرونا به نفوذ ارزشهای مدرنیته و تجددگرا در ذهن زوجین بر می‌گردد؛ با این تفاوت که در دوران قرنطینه زوجین مجبور به اقامت طولانی مدت در خانه هستند و در این وضعیت زوجین تصور می‌کنند ارزشهای مدرن آنها از جمله استقلال، حریم خصوصی، آزادی طلبی، برابری خواهی، حضور در جامعه زن شاغل مورد تهدید قرار می‌گیرد و در حال جایگزینی با نقشی تکلیف محور و مسئولیت طلب است و تصور چنین وضعیتی علت بروز تعارض خواهد شد.

واژگان کلیدی: کرونا، ارزشها، خانواده، مدرنیته، سنت.

۱ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسان و مطالعات اجتماعی؛ u\_akbari1987@yahoo.com

۲ عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری؛ alihatami@ut.ac.ir

## بیان مسئله

براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی برخی از کشورها تحت تأثیر کووید-۱۹، افزایش سطح خشونت در خانه را مشاهده کرده‌اند، از جمله خشونت علیه کودکان، خشونت شریک زندگی و خشونت علیه افراد مسن. بطوری که آمارهای موجود سازمان بهداشت جهانی انجام حاکی از این است که ۱۰ تا ۵۰ درصد تماس با خط تلفنی خشونت خانگی در برخی کشورها افزایش یافته است همچنین گزارشها حاکی از افزایش سه برابری گزارش‌های خشونت علیه شریک زندگی در استان هوبئی چین است و در هند نیز ۹۲۰۰۰ گزارش تلفنی کودک آزاری و درخواست کمک ثبت شده است و در برخی کشورها نیز افزایش ۱۰ برابری سوء استفاده و غفلت از افراد مسن گزارش شده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰).

در ایران نیز به مانند سایر کشورها آمارها حاکی از افزایش میزان میزان تعارض و خشونت زوجین در دوران قرنطینه کرونا بوده است بطوری که به گفته مدیرکل مشاوره و امور روانشناختی بهزیستی کشور میزان تماس‌های زوجین مربوط به تعارضهای خانوادگی در دوران قرنطینه و کرونا با صدای مشاور بهزیستی با شماره ۱۴۸۰ و شماره ۱۲۳ نشان می‌دهد آمار تعارض بین زوجین، سه برابر افزایش یافته است. علاوه بر این نتایج سومین نظرسنجی دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران با همکاری ایسپا نشان می‌دهد در ۱۶ درصد خانوارهای مورد پرسش تنش خانوادگی به سبب در خانه ماندن افزایش یافته است. علاوه بر این در ۵۸ درصد این خانواده‌ها (از مجموع ۱۶ درصد مبتلا به افزایش تنش خانوادگی) تنش بین زن و شوهر افزایش یافته و ۴۶ درصد نیز افزایش تنش با فرزندان را تجربه کرده‌اند (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۹۹: ۵). در واقع آمارها حاکی از این امر است که در دوران قرنطینه کرونا تعارض و خشونت بین زوجین افزایش یافته است به گونه‌ای که پیرو این افزایش در میزان تعارض بین زوجین متخصصان رشته‌های از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی و مشاوره و همچنین مسئولان ذی‌ربط تحلیلها و توصیه‌هایی در این رابطه مطرح کرده‌اند که در این نوشتار سعی شده از منظری دیگر موضوع افزایش تعارضهای خانوادگی در دوران قرنطینه کرونا مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا تلاش شده به سوالات زیر پاسخ داده شود.

علت افزایش روند تعارض بین زوجین در کرونا چیست؟

این عامل چگونه و با چه سازکاری به تعارض بین زوجین دامن می‌زند؟

آیا افزایش در بروز و ظهور تعارض و طلاق بین زوجین ناشی از کرونا است یا کرونا تشدیدکننده وضعیت موجود است؟

### پیشینه پژوهش

اژدری کازرونی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی "اثر بخشی درمان ذهن آگاهی بر کاهش اضطراب کرونا و حل تعارضات زناشویی از عواقب قرنطینه در دوران همه گیری بیماری کووید-۱۹" پرداخته‌اند. روش پژوهش از نوع نیمه تجربی با گروه کنترل و آزمایش بوده است. به این صورت که با روش نمونه‌گیری در دسترس از بین زوجین مراجعه‌کننده برای حل تعارضات به وجود آمده به روان شناسان و مشاوران تعداد ۳۰ نفر ۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل انتخاب کرده‌اند و درمان ذهن آگاهی برای زوجین گروه آزمایش در ده جلسه به صورت مجازی (تماس تصویری) انجام گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان داده که درمان ذهن آگاهی بر کاهش اضطراب و تعارضات زناشویی و خرده مقیاس‌های آنها موثر بوده است. آنها پیشنهاد کرده‌اند با توجه به اینکه اضطراب کرونا یکی از انواع هیجانات منفی است و با توجه به محدودیت‌های رفت و آمد توصیه می‌شود از خدمات روان‌شناختی به صورت مجازی بهره‌گیری شود.

کمپل<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "افزایش خطر خشونت خانوادگی در طی بیماری همه گیر Covid-19: تقویت همکاری‌های جامعه برای نجات جان افراد" استدلال می‌کند که اگر چه لازم است اقداماتی مانند فاصله اجتماعی (فیزیکی)، قرنطینه، مسافرت محدود و بسته شدن راه‌های ارتباطی، به منظور کاهش سرعت انتشار ویروس کرونا صورت گیرد، اما قرنطینه کرونا احتمالاً به طور چشمگیری خطر خشونت خانوادگی در سراسر جهان را افزایش می‌دهد. در حقیقت بسیاری از کشورها در حال حاضر افزایش چشمگیر خشونت خانگی را گزارش کرده‌اند. اگرچه در ادبیات دانشگاهی سابقه آنچنان روشنی برای بحران فعلی وجود ندارد، اما بررسی تأثیر بلایای طبیعی بر گزارش‌های خشونت خانوادگی ممکن است بینش مهمی را برای قربانیان خشونت خانوادگی فراهم کند. بهبود همکاری‌های بین سازمان‌ها و نهادهای مردم نهاد و گسترش مشارکت در جامعه و آگاه سازی مردم از اهمیت زیادی برای گزارش هر گونه نگرانی از سوء استفاده و خشونت، در این زمان حیاتی است.

ژانگ<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر همه گیر کووید-۱۹ بر خشونت خانوادگی در چین" اینگونه استدلال می‌کند که گزارش‌های متعدد حاکی از افزایش خشونت خانوادگی در طی بیماری همه گیر کووید-۱۹ است. این افزایش در خشونت خانوادگی ممکن است در درجه اول به دلیل قرنطینه گسترده‌ای باشد که باعث تشدید درگیری‌های خانوادگی، پریشانی اقتصادی و تنش ناشی از همه‌گیری در میان اعضای خانواده و حمایت ناکافی از قربانیان خشونت خانوادگی در طی همه‌گیر شدن بیماری است. به نظر ژانگ خشونت خانوادگی به یک موضوع مهم اجتماعی تبدیل شده است که باید در طی بیماری همه گیر کووید-۱۹ به درستی و سریع رسیدگی شود و هم سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO) و هم آژانس‌ها و بخش‌های خدماتی باید از نیازهای قربانیان خشونت خانوادگی آگاهی داشته و در هنگام شیوع بیماری، کمک‌های مناسب و فوری به قربانیان ارائه دهند.

ساکو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر خشونت خانگی: جنبه تاریک انزوای خانه در حین قرنطینه" اینگونه استدلال کرده‌اند که خشونت خانگی یک مشکل جهانی برای بهداشت است. این خشونت اشکال مختلفی دارد و منجر به عواقب جسمی و روانی قابل توجهی برای قربانی و کل خانواده می‌شود. شرایطی که ممکن است باعث بروز خشونت در خانواده شود شامل استرس، ناامیدی عاطفی، عوامل اقتصادی، بد مسکنی و مسکن کوچک و مصرف الکل یا مواد مخدر است.

بررسی مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه بررسی عوامل مرتبط با بروز تعارض بین زوجین در دوران کرونا نشان می‌دهد به علت نوظهور بودن همه‌گیری و قرنطینه کرونا مطالعات چندانی در این رابطه صورت نگرفته و بیشتر تحقیقات صورت گرفته نیز به تحلیل آمارهای منتشر شده از سوی سازمانها ملی و بین‌المللی پرداخته و مطالعاتی نیز در حوزه روانشناسی و مشاوره انجام شده است، در نتیجه جمع‌بندی چندانی نمی‌توان از مطالعات انجام شده در رابطه با تأثیر قرنطینه کرونا بر افزایش تعارض و خشونت در خانواده انجام داد ولی تنها نکته قابل ذکر این است که قرنطینه سبب افزایش میزان تعارض و خشونت در خانواده شده است که نیازمند بررسی و تحلیل عوامل مرتبط با بروز چنین پدیده‌ای است.

---

1 zhang

2 sacco

## ملاحظات نظری

در این مطالعه از نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت<sup>۱</sup> جهت بررسی و تبیین موضوع مورد بررسی چارچوبهای نظری کلی عاریت گرفته شده است. بر اساس این نظریه وجه تمایز مردم جوامع مختلف در نگرشها، ارزشها و مهارتهای اصلی و پایدار آنان است. به بیان دیگر فرهنگ آنان با هم تفاوت دارد. اینگلهارت بر این نظر است که در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی- سیاسی فرهنگهای جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. انگیزه‌های که مردم را به کار و می‌دارد، مسائلی که سبب بروز برخورد سیاسی می‌شود و اعتقادات مذهبی مردم، نگرش آنها درباره طلاق سقط جنین و همجنس بازی و اهمیتی که به داشتن بچه و تشکیل خانواده می‌دهند- همه دگرگون شده است؛ تا بدان حد که می‌توان اظهار داشت که در تمام کشورهای پیشرفته صنعتی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱). به نظر اینگلهارت دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسلهای مختلف شکل داده است؛ از این رو ارزشها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند در حالی که گرایشهای جدید تا حد زیادی در میان نسلهای جوانتر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسلهای جوانتر به جای نسلهای بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است (همان: ۱)

بر این اساس به نظر اینگلهارت جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگترانشان به آنها می‌آموزند بستگی ندارد بلکه جهان‌بینی آنها با تجارب کلی زندگی خودشان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسلهای گذشته متفاوت است. در طول دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم جوامع پیشرفته صنعتی با درآمد سرانه واقعی چهار یا پنج برابر بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بسیاری از کشورها و بیست برابر بالاترین سطح قبلی خود در بعضی از کشورها به سطوح بی‌سابقه‌ای از توسعه اقتصادی دست یافته‌اند. این امر با ظهور دولت رفاه عمومی، تغییر در نظام بین‌المللی و رشد بی‌سابقه علم و تکنولوژی منجر به تغییرات تدریجی در ارزشهای اصلی و رایج درباره سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتار جنسی شد (همان: ۲).

به نظر می‌رسد شاید بتوان از دیدگاه نظریه نوسازی و تغییر فرهنگی و ارزشی اینگلهارت نیز مسئله تعارضها زوجین در دروان قرنطینه کرونا را مورد بررسی قرار داد. در همین راستا در رویکرد تضاد ارزشی علت بروز تعارض یا سرعت تغییرات به وجود آمده است که امکان

1 ronald inglehart

ایجاد جایگزین مناسب را فراهم نمی آورد (دیدگاه توافق) یا تفاوت ارزشها و منافع است (رویکرد تضاد) که سبب بروز تعارض می گردد و غالباً در رویکرد تضادی نیز تعارض در رابطه بین دو طبیف دارای ارزشهای سنتی و مدرن قابل تعریف و تبیین است. با این حال توجه چندانی به این امر نشده است که ممکن در جامعه بین زن و شوهر توافق ارزشی وجود داشته باشد ولی این ارزشها به گونه ای باشند که سبب واگرایی زن و شوهر نسبت به هم باشند. به عبارتی دیگر منظور این است که ارزشهای جدید با ارزشها قدیم متفاوت باشد؛ ارزشهای قدیم یا سنتی بر پیوند و جمع گرایی و تشکیل و حفظ خانواده تاکید کنند و ارزشهای جدید بر فردگرایی و ابراز وجود و انتخابگری و آزادی بیشتری تاکید داشته که با روح خانواده که نهادی جمع گراست، تباین ماهیتی داشته باشد. در این راستا شاید بهره گیری از نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی اینگلهارت نیز برای تبیین مسئله تحقیق راهگشا باشد. به نظر می رسد تغییر فرهنگی و ارزشی که در جامعه ایرانی رخ داده است امری چندان جدید نباشد و چنین تغییراتی در گذشته نیز در جوامع دیگر اتفاق افتاده و نتایج مشابهی را در آنجا نیز به وجود آورده است. به عبارت دیگر شاید بتوان اینگونه عنوان کرد که نفوذ ارزشهای مدرن در ملل مختلف تاثیرات مشابهی به دنبال داشته است و اگر تفاوتی وجود دارد در میزان تاثیر و شدت تغییر است و نوع آن.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر اسنادی است؛ یعنی برای انجام پژوهش از منابع مکتوب شامل کتب، مقالات معتبر و سایر اسناد و مدارک موجود بهره گرفته شده است. در این پژوهش، ابتدا بررسی سرفصل و عناوین موضوعی در حدی که جامعیت و اشراف لازم را داشته باشد صورت گرفت و منابع براساس هدف پژوهش کاوش شد. بدین منظور کل پژوهش مستند است، اما حاصل کار صرفاً جمع آوری و تنظیم مطالب مستخرج نیست، بلکه این مطالب پاسخگوی صحیح پرسشهای پژوهش طرح شده است. همچنین این پژوهش حاوی مطالب جدید و طرح و تحلیل تازه ای از موضوع پژوهش است. در مجموع، پژوهش حاضر ضمن جامعیت، از تفصیل بیش از حد بر کنار بوده و از تکرار مطالب در منابع مختلف، جز در مواقع لازم برای روشن شدن موضوع بحث و اشارات ضروری خودداری شده است.

### یافته‌های تحقیق

نگاهی به تحلیل‌های انجام شده درباره افزایش تعارض زوجین در دوران قرنطینه کرونا (که البته بیشتر در خبرگزاری‌ها و نشست‌ها بیان شده‌اند تا در مقالات علمی) بیانگر این مطلب است که غالباً جامعه‌شناسانی که به تحلیل تعارض‌های خانوادگی در دوران کرونا پرداخته‌اند این تعارضها را پدیده‌ای در نظر نگرفته‌اند که کرونا علت بروز و ظهور آن شده باشد بلکه کرونا و قرنطینه متعاقب آن را عامل تشدیدگر تعارضها در نظر گرفته‌اند. از سوی دیگر این جامعه‌شناسان علت بروز این تعارضها را به مسائلی مانند مسائل اقتصادی، ازدواج‌های اجباری و دیدگاه سنتی نسبت به تشکیل خانواده نسبت داده‌اند که بایستی با مداخله دولت و نهادها مدنی و از طریق آموزش و مهارت‌ورزی، افزایش مدارا و ... نسبت به حل و کاهش این تعارضها اقدام کرد.

به نظر می‌رسد تحلیل‌های موجود در رابطه با موضوع در مقام توصیف وضعیت موجود و اینکه قرنطینه کرونا عامل تشدیدگر تعارض‌های بین زوجین بوده به درستی برخی از مسائل را عنوان کرده‌اند ولی در مقام علت‌آوری یا ساکت بوده‌اند یا صرفاً به مسائل اقتصادی و تبعیض‌های جنسی، کاهش سرگرمی و فراغت و... اشاره کرده‌اند و در مقام تجویز نیز یا به عنوان یک روان‌شناس و مشاور وارد مباحث شده‌اند یا تجویزهایی داده‌اند که به نظر نمی‌رسد سبب بهبود وضعیت شوند و در بهترین حالت روند موجود را تشدید خواهند کرد. در این راستا در ادامه سعی شده نگاهی هم به پیامدهای تجویزهای صادر شده انداخته شود.

در این تحلیل‌های انجام شده در رابطه با تشدید تعارض بین زوجین در دوران کرونا به گونه‌ای با عام‌گرایی و کلی‌گویی به گونه‌ای از خانواده صحبت به میان آمده که انگار در خانواده متعارف امروزی که غالباً نیز از نوع خانواده‌ی هسته‌ای است یک نوع از ارزش و نگرش وجود دارد و با یک‌دستسازی از خانواده‌ها نسخه‌ای واحد برای خانواده ایرانی صادر کرده‌اند؛ غافل از اینکه هنوز تحقیقی صورت نگرفته که مشخص شود که کدام خانواده‌ها و دارای چه ارزش‌هایی تعارض‌های زناشویی تشدید شده است. این گزاره که در دوران پیشاکرونا تعارض خانوادگی وجود داشته و در دوران کرونا تشدید شده است، نکته‌ی درستی است شاهد این گزاره هم روند افزایشی میزان مراجعه به دادگاه خانواده و طلاق است ولی از سوی دیگر همزمان می‌توان شاهد کاهش میزان ازدواج نیز بود که بیانگر این است که تغییری در جامعه رخ داده که سبب کاهش تمایل افراد جامعه به ازدواج شده است. بعید است عامل اقتصاد سبب این وضعیت شده باشد (که البته نیاز است با داده‌های تجربی تایید یا رد شود) چرا که غالباً کاهش تمایل به

ازدواج در بین افراد مرفه جامعه ظهور و بروز بیشتری دارد تا طبقه پایین جامعه که غالباً هم سنتی و دارای معیارهای جمع‌گرایانه‌تری به نسبت طبقات بالای جامعه هستند. تغییر ارزشها و نگرشهای ایرانیان که طی چند گذشته در جریان بوده است سبب شده که عاداتی رفتاری به گونه‌ای تغییر شکل یابند که قالب نوین آن شکلی متعارف و عام به خود گیرد و به امری تبدیل شود که دیگر دلیلی برای به پرسش گرفته شدن آن وجود نداشته باشد<sup>۱</sup>. درواقع خانواده هسته‌ای با ارزشهای مدرنیته و متجدد آن در ذهن بسیاری از افراد جامعه منجمله جامعه‌شناسان به امری همه جا حاضر و غالب بدل شده به گونه‌ای که جامعه‌شناسان در مواجهه با آن بازاندیشی نمی‌کنند که شاید مفروضاتی که در ذهن دارند و تحلیلی که بیان می‌کنند زایده نگرستن به موضوع تحلیل بر مبنای قالبی تعیین شده و مفروض گرفته شده است که نیاز است به پرسش گرفته شود. عموماً جامعه‌شناسان به این نکته توجه نمی‌کنند که روندی که در حال حاضر در زمینه بروز تعارض و درگیری در خانواده در حال وقوع است روندی است که نتیجه تغییرات ارزشی و نگرشی طی دهه‌های گذشته در جامعه ایرانی است به وقوع پیوسته است.

این تغییرات ارزشی و نگرشی در به واسطه تضارب بین دو جنس خود را نشان می‌دهند. برای نشان دادن این تضارب شاید بتوان از چهار دوگانه تضارب ارزشی بهره گرفت. این الگوی چهارگانه شامل ۱. زن و مرد دارای نظام ارزشی سنتی باشند ۲. زن دارای نظام ارزشی سنتی و مرد دارای نظام ارزشی تجددگرایانه ۳. مرد دارای نظام ارزشی سنتی و زن دارای نظام ارزشی تجددگرایانه ۴. مرد و زن دارای نظام ارزشی تجددگرایانه است. ذکر این نکته لازم است که این الگو صرفاً یک الگوی نظری و تحلیلی و یک تیپ ایده آل است که قرینه‌سازی جز به جز آن با واقعیت درست نیست. از زوایه دید رویکرد ارزشها در جامعه شناسی دو منظر برای تبیین بروز درگیری و تعارض بین زوجین وجود که یکی بر تضاد ارزشهای زن و مرد تاکید دارد و دیگری بر سرعت بالای تغییرات هنجاری که امکان جایگزین هنجار مناسب را در جامعه میسر نمی‌سازد. به نظر می‌رسد رویکرد سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد و آن توافق ارزشی است که مشابهت ارزشی زن و مرد باعث بروز تعارض بین آنها در نهاد خانواده می‌شود. این مشابهت در ارزشها به داشتن ارزشهای مدرنیته در ذهن زن و مرد بر می‌گردد. درست است که در اینجا زن و مرد دارای ارزشی مشابه هستند ولی ارزش برآمده از مدرنیته بر آزادی خواهی، خودمحموری،

۱ رجوع کنید به طالبان و همکاران، ۱۳۸۹. "بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران ۱۳۵۳-۱۳۸۸".



حق طلبی و برابری خواهی و تک‌روی و استقلال تاکید دارد که با ارزشهای نهاد خانواده که نهادی جمعی است که بر تکلیف محوری و تقسیم نقش جنسی و مسئولیت پذیری جمعی و جمعگرایی تاکید دارد، در تعارض است. در این وضعیت زوجین بامشابهت ارزشی توان تحمل ارزشهای نهاد خانواده که نهادی جمعگرا و سنتی است را ندارند و در نتیجه با یکدیگر دچار تعارض می‌شوند. بر این اساس بخش بزرگی از روند رو به رشد درگیریهای و تعارض خانوادگی و طلاق چه در دوران قبل از کرونا و چه در دوران قرنطینه کرونا به نفوذ ارزشهای مدرنیته و تجددگرا در ذهن زوجین بر می‌گردد؛ با این تفاوت که در دوران قرنطینه زوجین مجبور به اقامت طولانی مدت در خانه هستند و در این وضعیت زنان به صورت ویژه تصور می‌کنند که ارزشهای مدرن آنها از جمله استقلال، حریم خصوصی، آزادی طلبی، برابری خواهی، حضور در جامعه زن شاغل مورد تهدید قرار می‌گیرد و در حال جایگزینی با مادر تکلیف محور و زن مسئولیت طلب است و تصور چنین وضعیتی سبب منشاء و علت بروز تعارض خواهد شد. در واقع این ارزشهای مدرن توان تحمل ارزشهای جمعگرای خانواده را ندارند.

بر اساس تحلیل فوق شاید بتوان اینگونه بیان کرد که تیپ ۳ و ۴ از تیپ‌بندی ارزشهای زوجین افرادی هستند که بیشترین میزان تعارض را در خانواده ایرانی داشته باشند و روند افزایش تعارض‌ها بین آنها قبل از کرونا در قالب روند افزایش طلاق در جامعه تبیین نمود با این حال نیاز است که ابتدا رابطه الگوهای ارزشی دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد که چرایی وجود تعارض در تیپ‌های ۳ و ۴ بیشتر نمایان شود.

در الگوی نوع ۱ که بر مبنای توافق ارزشی سنتی بین دو جنس بنا شده فرض بر این است که زوجین دارای ارزشهای مشابه هستند و این مشابهت از نوع ارزشهای سنتی است. داشتن ارزشهای سنتی برای زوجین به معنای آن است که دو زوج دارای روحیه و خلیات جمعگرا و تکلیف‌محور هستند و هدف از تشکیل زندگی خانوادگی تولید نسل جدید و تربیت آن است و نه برای ارضای نیازهای روحی و جسمی خود فرد. در واقع در این نوع از تیپ‌بندی ارزشی هدف از تشکیل خانواده که نهادی جمعگراست، تمرکز بر رفع نیازهای جامعه است و نه در اولویت قرار دادن نیازهای فرد. بر این اساس دو فرد در این الگوی ارزشی تباین اندکی با یکدیگر خواهند داشت و هر دو در یک نظام تقسیم کار سنی و جنسی که زایده نظام سنتی است قرار می‌گیرند و خود را ملکف به تبعیت از ارزشهای نظام خانواده می‌کنند. در واقع در اینجا فرد بر مبنای اهداف جمع تعریف می‌گردد و نه عکس آن.

شاید این سوال مطرح شود که چرا در الگوی نوع ۲ امکان وقوع تعارض کمتر از الگوی نوع ۳ است. به عبارت دیگر چرا زمانی که زن دارای ارزشهای سنتی و مرد دارای ارزشهای متجدد است احتمال اینکه تعارض بین زوجین بروز کند کمتر از زمانی است که مرد دارای ارزشهای سنتی و زن دارای ارزشهای تجددگرایانه؟! به نظر می‌رسد که زمانی که در نهاد خانواده زن دارای ارزشهای سنتی و جمعگرایانه باشد و با روح نهاد خانواده که نهادی جمعگرا و تکلیف-محور است و مرد دارای ارزشهای متجدد؛ ارزشهایی که از مرد در نظام سنتی انتظار می‌رود تباین چندانی با ارزشهای تجددگرایانه که بر استقلال مالی و آزادی و اتکا به خود و حضور در جامعه به عنوان فرد شاغل و مستقل تاکید می‌کند، ندارند و از این رو میزان تعارض بین زن و شوهر کاسته می‌شود چرا که از یک جهت زن دارای ارزشهای سنتی نیز چنین انتظاراتی از مرد دارد و از جهت دیگر ارزشهای سنتی زن به او برای حفظ نهاد جمعگرای خانواده فشار می‌آورند و قبح طلاق همچنان به قوت خود باقی است و در نتیجه مدارای بیشتری برای حفظ نظام خانواده که مرکز عاطفه آن به عهده اوست از خود نشان می‌دهد و به همین جهت می‌تواند اینگونه بیان کرد که در الگوی نوع ۲ ارزشهای تجددگرایانه در راستا و امتداد ارزشهای سنتی و مورد انتظار برای مرد خانواده قرار می‌گیرد و در نتیجه امکان بروز تعارض و درگیری برای زوجین نسبت به الگوی نوع ۳ کمتر است ولی همچنان از الگوی نوع ۲ امکان تعارض بیشتر خواهد بود.

در الگوی نوع ۳ که در آن زن دارای ارزشهای تجددگرایانه و مرد دارای ارزشهای سنتی است، تعارض ارزشها در نظام هنجارین خانواده روی خواهد داد چرا که بر خلاف زمانی که مرد دارای ارزشهای تجددگرایانه و زن دارای ارزشهای سنتی است در اینجا مرد دارای ارزشهای سنتی و زن دارای ارزشهای مدرن است که در این وضعیت نظام ارزشهای زن مدرن در خلاف جهت ارزشهایی سیر می‌کند که مرد از زن در نظام سنتی به عنوان مادر دارد. در این وضعیت نظام ارزشهای زن در عرض ارزشهای سنتی مربوط به نهاد خانواده قرار می‌گیرد و طبیعتاً با نظام ارزشهای مرد در تضاد قرار خواهد گرفت که و بخش قابل توجهی از افزایش روند طلاق در اوایل نفوذ ارزشهای مدرنیته به کشورهای در حال توسعه به علت همین تضاد ارزشی به وقوع پیوسته است و به نظر نمی‌رسد در دوران کرونا این دسته از زوجین بوده باشند که با تشدید تعارضها رو به رو شده باشند چرا که همانگونه که بیان شد تعارض این دسته از زوجین مربوط به دوران اولیه نفوذ ارزشهای مدرن در جوامع در حال توسعه است و

در کشور ما نیز به واسطه نفوذ این ارزشها در از حدود سه دهه گذشته شاهد افزایش رو به رشد تعارض ارزشی سنتی و مدرن بین زوجین بوده است و بخش قابل توجهی از آمار طلاق در جامعه در حال توسعه مربوط به این از تعارض بین زوجین بوده است. در صورتی که افزایش تعارض زوجین در دوران کرونا محدود به جوامع در حال توسعه نبود است که گفته شود گونه سوم از الگوهای فوق الذکر سبب ساز تشدید این تعارضها شود بلکه این افزایش در نرخ تعارضهای خانوادگی در جوامع توسعه یافته نیز در دوران کرونا به وقوع پیوسته با وصفی که در این کشورها تعارض از جنس سنتی - مدرن وجود ندارد که گفته شود این تعارض نتیجه تعارض ارزشی بین زوجین بوده است و در نتیجه باید عاملی غیر از الگوی تعارض ارزشی سبب ساز این تشدید تعارضها شده باشد.

در نوع ۴ از رابطه ارزشی بین زوجین مرد و زن دارای ارزشهای تجددگرایانه هستند و همانطور که بیان شد ارزشهای برآمده از مدرنیته بر آزادی خواهی، خودمحموری، حق طلبی و برابری خواهی و انفراد و تکروی و استقلال تاکید دارد که با ارزشهای تشکیل خانواده که نهادی جمعی است که بر تکلیف محوری و تقسیم نقش جنسیتی و مسئولیت پذیری جمعی و جمعگرایی تاکید دارد در تعارض است. در نتیجه زوجین بامشابهت ارزشی توان تحمل ارزشهای نهاد خانواده که نهادی است جمعگرا و سنتی را ندارند و در نتیجه با یکدیگر دچار تعارض می شوند. بر این اساس بخش بزرگی از روند رو به رشد درگیری و تعارضهای خانوادگی در دوران قرنطینه کرونا به نفوذ ارزشهای مدرنیته و تجددگرا در ذهن زوجین بر می گردد که به واسطه دوران قرنطینه مجبور به اقامت طولانی مدت در خانه هستند و در نتیجه ارزشهای مدرن آنها از جمله استقلال، حریم خصوصی، آزادی طلبی، برابری خواهی، حضور در جامعه زن شاغل و جایگزینی آن با مادر تکلیف محور و زن مسئولیت طلب است. درواقع این ارزشهای مدرن توان تحمل ارزشهای جمعگرای خانواده را ندارند. در راستای تلخیص کلی تحلیلهای فوق و با در نظر گرفتن اینکه وجود مقداری اختلاف نظر و تعارض برای هر خانواده ای با هر نظام ارزشی امری طبیعی و نرمال است، می توان جدول زیر را در رابطه با نظام ارزشی مرد و زن، خصوصیات هر نظام ارزشی و پیامدهای مرتبط با تعارض در درون نظام خانواده را ترسیم کرد:

تیپ‌بندی نظام‌های ارزشی سنتی و تجددگرایانه مرد و زن در نهاد خانواده و پیامدهای مرتبط  
با تعارض آن

مقولات	وضعیت نظام ارزشی	وضعیت ارزشها	ویژگی‌های کلی	پیامدها
تیپ ۱	زن و مرد دارای نظام ارزشی سنتی	مشابهت ارزشها	خلقیات جمع‌گرا و تکلیف‌محور، هدف از تشکیل زندگی خانوادگی تولید نسل جدید و تربیت آن، نظام تقسیم کار سنی و جنسیتی، نرخ بالای ازدواج، نرخ باروری و مولید بالا	تعارض حداقلی و احتمال طلاق پایین و شیوع بیشتر در مناطق سنتی و کمتر توسعه یافته
تیپ ۲	زن دارای نظام ارزشی سنتی و مرد دارای نظام ارزشی تجددگرا	تفاوت ارزشها	مدارای بیشتر زن برای حفظ نظام خانواده، همسو بودن ارزشهای استقلال مالی و آزادی و اتکا به خود و حضور در جامعه در نظام ارزشهای سنتی و مجدد برای مرد	تعارض حداقلی و مدارای زوجین با نرخ طلاق پایین و شیوع بیشتر در مناطق در حال توسعه
تیپ ۳	زن دارای نظام ارزشی تجددگرا و مرد دارای نظام ارزشی سنتی	تفاوت ارزشها	مدارای کمتر زن برای حفظ نظام خانواده، همسو بودن ارزشهای استقلال مالی و آزادی و اتکا به خود و حضور در جامعه در نظام ارزشهای سنتی و مجدد برای زن	تضاد حداکثری و احتمال زیاد طلاق و شیوع بیشتر در مناطق در حال توسعه
تیپ ۴	زن و مرد دارای نظام ارزشی تجددگرا	مشابهت ارزشها	تاکید بر آزادی خواهی، خودمحموری، حق طلبی و برابری خواهی و انفراد و تکروی و استقلال مالی، حفظ حریم خصوصی و پیشرفت شغلی و حضور در جامعه به عنوان معیار موفقیت برای مرد و زن، کاهش میل به ازدواج، کاهش میزان مولید و باروری پایین، تباین با ارزش‌های نهاد خانواده به عنوانی نهادی جمع‌گرا و سنتی و تکلیف‌محور	تضاد حداکثری و میزان طلاق بالا، شیوع بیشتر در مناطق توسعه یافته

## نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان اینگونه بیان کرد درست است که خانواده هسته‌ای شکل غالب و متعارف است ولی ارزشهای تمامی این خانواده‌ها به هیچ وجه دارای ارزشهای از جنس ارزشهای مدرنیته و متجدد نیست که سبب بروز تعارض و در نتیجه طلاق روزافزون در جامعه شده است. روندی که در ایران اتفاق افتاده است امر چندان غیر معمولی نیست بلکه نفوذ ارزشهای مدرنیته و عواقب آن در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۶۰ نیز در اروپا و امریکا نیز اتفاق افتاده بر اساس این تحولات نظریه گذار دوم جمعیتی ظهور کرده و واقعیت اجتماعی آن دوره را تبیین کرده است. با این حال در مورد تعارض افزایش یافته گرفته بین زوجین در دوران کرونا می‌توان اینگونه استدلال کرد که زوجین دارای ارزشهای تجددگرایانه که در دوران کرونا مجبور به محدود دایره امکانشا و آزادی‌ها خود به نسبت دوران عادی زندگی هستند با تهدید آزادی حدود اختیار مواجه می‌شوند به همین جهت امکان بروز تعارض بین آنها زیاد است چرا که این افراد بر حسب نوع ارزشی که راهنمای اعمال و رفتار آنهاست حق طلب و آزادی‌خواه هستند و نه مسئولیت طلب و تکلیف‌محور و به همین دلیل در شرایط کرونا که میزان مجاورت آنها بیشتر می‌شود با تهدید آزادی اختیار خود از سوی همسر مواجه می‌شوند. نکته دیگر اینکه غالباً از تئوری همسان همسری به عنوان نظریه‌ای که تبیین‌کننده ازدواج موفق است یاد می‌شود که بر مبنای آن شباهت طبقاتی (که منجر به شباهت ارزشی می‌شود)، قومی، دینی، سنتی و تحصیلی افراد منجر به ازدواج موفق می‌شود، می‌گردد؛ نکته‌ی ناگفته در مورد این نظریه، بستر استفاده آن است. در دنیای سنت شباهت در امور یاده شده به علت وجود ارزشهای تکلیف‌محور و جمع‌گرا قاعدتاً به ازدواجی موفق منجر خواهد شد و در راستای تایید نظریه همسان‌همسری خواهد بود ولی در بستر زندگی مدرن و ارزشهای تجددگرایانه آن که بر حق‌طلبی و انفراد تکیه دارد، اتفاقاً این همسانی ارزشی افراد تعارضهایی از جنس محدود شدن آزادی و انتخاب در زندگی خانوادگی را پیش خواهد آورد که نتیجتاً در ابتدا امر سبب کاهش میل به ازدواج و متعاقباً بعد از ازدواج (با کاهش در نرخ آن) سبب بروز تعارض و افزایش نرخ طلاق در جامعه خواهد شد. در مواقعی مانند بروز بحران کرونا و قرنطینه همراه آن مسائل چنین زوجهایی با ارزشهای تجددگرایانه به علت‌های مذکور بیش از سایر زوجها خواهد بود. به عنوان نتیجه‌گیری فرعی از مطالب یاد شده می‌توان اینگونه استنباط کرد که نظریه تضاد ارزشی بین برای تبیین بروز تعارض و طلاق در بستر جوامع در حال توسعه می‌تواند کاربست مناسبی در تحلیلها داشته

باشد ولی برای تبیین تعارض و طلاق در جوامع توسعه‌یافته می‌توان از توافق ارزشی یا همسان-همسری ارزشی بر مبنای ارزشهای تجددگرایانه به عنوان تبیین‌کننده مناسبی یاد کرد. ذکر این نتیجه‌گیری به این معنا نیست که از همسان‌همسری ارزشی (ارزشهای تجددگرایانه) نمی‌توان برای تبیین بروز تعارض و طلاق در جوامع در حال توسعه بهره برد، بلکه باید این را در نظر داشت هر چه ارزشهای تجددگرایانه در جامعه شیوع یافته باشد دایره امکان تبیین‌کنندگی این نظریه برای تبیین بروز تعارض و طلاق وسیع‌تر خواهد شد. به عنوان مثال در شهری مانند تهران که نفوذ ارزشهای تجددگرایانه و میزان توسعه‌یافتگی بیشتر است، توان تبیین‌کنندگی نظریه همسان‌همسری ارزشی (ارزشهای تجددگرایانه) بیشتر از مناطق روستایی و شهرستانهایی است که میزان نفوذ این ارزشها کمتر است. به نظر می‌رسد در مناطق کمتر توسعه یافته که نفوذ ارزشهای تجددگرایانه کمتر است نظریه تضاد ارزشی از نوع سوم آن (یعنی مرد سنتی و زن متجدد) توان تبیین‌کنندگی بیشتری برای تبیین و توضیح تعارض و طلاق بین زوجین را داشته باشد. به عبارت دیگر این نظریات بسترمند هستند و این بستر میزان توسعه‌یافتگی و نفوذ ارزشهای مدرن در ذهن افراد است. نکته آخر اینکه در جوامع در حال توسعه افراد از زاویه دیگر در معرض فشار ناشی از هنجار یا ارزش اجتماعی ازدواج در جامعه نیز هستند ولی نمی‌دانند که حتی اگر به فشار هنجار اجتماعی ازدواج به تشکیل خانواده اقدام کنند به دلیل فشار هنجارین ارزشهای مدرنیته در ذهنشان دیریا زود مجبور به طلاق می‌شوند.

## منابع

- اژدری کازرونی، مصطفی؛ نامی پس ویشه، حمیده و مهسا مظلومین (۱۳۹۹). اثربخشی درمان ذهن آگاهی بر کاهش اضطراب کرونا و حل تعارضات زناشویی زوجین تهرانی در دوران همه گیری بیماری کووید-۱۹، چهارمین همایش ملی روانشناسی دانشگاه پیام نور، رشت.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات روزنه.
- طالبان، محمدرضا، مبشری، محمد و مهرآیین، مصطفی (۱۳۸۹): بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)، دانش نامه علوم اجتماعی، دوره ۱. شماره ۳، بهار ۱۳۸۹.
- گزارش موج سوم ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ۱۳۹۴، وزارت ارشاد یعقوبی، علی. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی تعارض ارزشی بین نهادهای اجتماعی خانه و مدرسه (مورد مطالعه: دانش آموزان استان گیلان)، فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی ۲ (۱)، ص ۱۶۷-۱۹۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۹). چالشهای خانواده ایرانی در مواجهه با کرونا، معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ، شماره مسلسل گزارش: ۲۶/۱/۱۳۹۹، تاریخ انتشار: ۲۷۰۱۶۹۷۶
- Campbell, A. M. (2020). An increasing risk of family violence during the Covid-19 pandemic: Strengthening community collaborations to save lives, Forensic Science International: Reports Volume 2.
- Sacco, M. A. and et al. (2020). the impact of the Covid-19 pandemic on domestic violence: The dark side of home isolation during quarantine.
- WHO (2020). Addressing violence against children, women and older people during the covid-19 pandemic: Key actions.
- Zhang, H. (2020). The Influence of the Ongoing COVID-19 Pandemic on Family Violence in China, Journal of Family Violence .